

اورا بیا تکیه ده شد بعد از آن با خودی کشت  
از صفت لقا س کنین من اظلم متعلق است بقدر کتبت  
علم صحیح ظلمت یعنی آنکه اندر سینه تو ای رسول خدا ای پیامبر  
یعنی از سینه جبرام در آنکه ای رفیق از شب سوسه سجدت نما کرد  
المعقول است که فرقی بود و مثل شب خیز با چهار روزه و تا کتبت  
شب آه روزه نما کرد رسول الله صوم و نماز در آن چنین کرد و هر که  
نزدیک نماز مبارک بود و در میان خوابی بیداری بودم تا کتبت  
جبرئیل بر آن را آورد و مرا سوار است تا آنکه سر و سینه بیدار  
و بر او ایستادی و خاندان شما نسبت با بی باکی بود بعد از آن  
عشت جبرئیل علیه السلام آمد این که از سر و سینه بیدار شد و بعد از آن که  
بگشت تر قصه را با هم گفتند و پس رفتن و از آن حال و رفتن را  
از آن واقعه چون گفتند پس جبرئیل آمد و بعد از آن که آمدند  
و جماعتی پیش ابی بکر صدیق آمدند و از واقعه خبر دادند و ابوبکر  
صدیق فرمودند که رسول الله صوم است که در آن وقت کتبت است  
جماعت گفتند تو این را از آن وقت کتبت می کنی ابوبکر فرمودند

۴۴۲

مهر از و بعد از آن را تصدیق می کنی پس ابی بکر صدیق  
نام کرد و بعد از آن جماعتی از احوال بیت علی مرتضی فرستادند  
نشانی بر سینه رسول علیه السلام هر روز در وقت صبح  
علیه السلام و بیت المقدس را معاند نمود و آن حضرت بخوشی  
راوند و آن جماعت همراهِ بنامند تا بعد از آن که رسیدن به  
واقعه بیک سال پیش بود از نبوت و علم از اختلاف است  
در آنکه در خواب بود و در بیدار روح بود و ملائکه  
اقوال آن که در بیدار بود و بیدار بود بسوی اهل بیت  
وز آنجا بسوی اهل بیت تا آنجا که خداوند خود را بر سر و سینه  
ترقی ای ان تکتبتم لانه من فاب تو کتبت که من در آن کتبت  
و بت عطف بر سینه که در وقت سابق که کتبت نبوت  
شک کردن و شب بودن است از افعال ناقص است  
صید حاکم طبیب کم او و فرزند او و فرزند او است ۱۱  
متعلق است بفرزندان آنکه در آن وقت کتبت است از آنکه  
با بعضی هم فرمودند که رسول است و بنامش کتبت که در آن وقت

Copyrighted by King University